

سال‌ها بعد. وقتی ایران در تیرانجین ۲۰۰۹ دوباره قهرمان آسیا می‌شود و این بار چین و میزبان را در فینال می‌برد. پاسخ یکی از سؤال‌های توکوشیما روشن می‌شود. «هیچ قهرمانی ۲۰۰۷ تصادفی نبود. در ۲۰۱۳ هم سونیم طلای آسیا به همان نسل طلایی و همان فدراسیون می‌رسد و جایگاه بسکتبال ایران در قاره تثبیت می‌شود.

در میانه این مسیر، فدراسیون جهانی در شهر کوآرتز و اکسترا در ایتالیا اولی شیهه، اسکالر، به او اهدا می‌کند. تقدیری رسمی از مدبری که در پرورده‌اش سه قهرمانی آسیا و نخستین حضور تواریخ بسکتبال ایران در المپیک ثبت شده است. هم زمان، در دفتر فدراسیون در تهران، پرورده‌های روی میز است که کمتر در دیده می‌شود. یک حجاب برای بسکتبال بانوان میزبانی مسابقات رده‌های سنی مثل جوانان آسیا و گسترش لیگ. در دوره او، پس از سه سال دوندگی، ایران حضور بی‌المللی دختران بسکتبالیست ایرانی‌ها پیش‌انگهی اسلامی بانوان می‌شود. به این ترتیب در دوران مدیریت مستحضر، بسکتبال بانوان ایران رونق می‌یابد و لیگ حرفه‌ای بسکتبال زنان که زمینه حضور آن‌ها را در مسابقات جهانی فراهم می‌آورد، جان می‌گیرد.

مریم شیعه تایلوی سالن توکوشیما عدد ۷۴
۹۶ را نشان می دهد و فقط چند ثانیه تا پایان زمان
باقی مانده است. بازیکنان ایران روی نیمکت از جا
پایان شده اند. حامد حدادی رقی حلقه می ایستد.
بعد نیکخواه بهرامی به سوت داور خبره است و
او در دایره مدبران فنی کنار زمین، باکت و شلوار
تیره و چهره ای کاملاً جدی، تقریباً تک نمی خورد.
نیم بازی، فینال جام ملت های آسیا ۲۰۰۷
است.
نخستین فینال آسیایی بسکتبال ایران و در عین
حال دروازه ای به تنگ پکن، سوت آخر که
به صد آدمی آید. بازیکنان ایران وسط زمین
روی هم می روند. لبنان، حریف همیشه سخت
غرب آسیا، مغلوب می شود. ایران برای اولین بار
قهرمان آسیا تهران و راهی المپیک.
خیابان های آسفالته تا نیمه شب، هنوز پیدار است و
فرق در جشن و پایکوبی، چند روز بعد، هوایمانی
نیم قهرمان در فروگاه می نشیند. بازیکنان با جام
طلایی و پرچم، روی پله های ایستند
و جمعیت یک نفس تشویقشان
می کنند. چیزی که تا پیش از
این، مخصوص فوتبال بود. او
هم همراه تیم وارد می شود.
رئیس فدراسیون که بالاخره
بسکتبال ایران را از حاشیه
به متن می کشاند.

دوشادوش نسل طلایی

محمود مشحون در تیرۀ ۱۳۲۲ نور مازندران در بدین مایه آید. آمارشده هایش در تهران و دست به درازافتن شکل می گیرد. نوجوان است که ابتدا با نام می کند و بعد از استخر بیرون می زند و سر سالن بستیکبال می می آورد. سال ۱۳۲۵، روزی نظر مربی ای به نام مسعودیست که استیکبال را در دوازدهمین سال شروع می کند. همراه دو برادر دیگرش وارد تیم ملی می شود و حدود یک دهه، از او آخر دهه ۳۰ تا او آخر دهه ۴۰ خوشبختی می پیراهن تیم ملی می کند. تیم ملی آن روزها هشتاد و دو نفر از سطح فروز است. اما حضور در مسابقات منطقه ای و بازی با حریفان خارجی، برای نسلی از بستیکبالیست ها تجربه ای تازه محسوب می شود. سپس از کنار رفتن از بازیکنی، کم کم وارد مسئولیت های اجرایی می شود. عضویت در کمیته مربیان، سرپرستی هیئت بستیکبال تهران، مسئولیت در دفتر مشترک هیئت های ورزشی و در مقاطعی، حضور در سایر رشته ها سال ۱۳۸۲، شراطی که نسلی از نوجوانان و جوانان مسعودی در بستیکبال ایران در حال گرفتار است. مشحون به ریاست فدراسیون بستیکبال انتخاب می شود.

هم زمانی این نسل که بعدها نام های مثل حدادی، برادران نیکخواه پیرامی، کامرانی

و آفاق از دل آن بیرون می آید با مدیتریتی که برنامه جدی تری برای اردو، مربی خارجی و حضور بی المللی دارد، شتاب پیدا می کند. ایرانیان را بالای می برد. در دوره اول، نیم ملی مردان سه قهرمانی آسیا، بلیت المپیک ۲۰۰۸ و چند حضور در جام جهانی را به دست می آورد و نام ایران در بسکتبال آسیا در کنار چین و کره جنوبی قرار می گیرد. بعد از به ریاست انجمن بسکتبالی غرب آسیا انتخاب می شود و به عنوان یکی از چهره های پر نفوذ بسکتبال منطقه شناخته می شود. محمود مشحون بازیکن ملی قدیم و مدیر فدراسیون است که تجربه هایی طلایی را برای ورزش ایران رقم می زد.

آمیزه افتخار و جدل
 آذر ۱۴۰۲، خبر درگذشت او در هشتاد و دو سالگی، منتظرش نداشت. سکنه قلبی، پایان زندگی می‌رود. یک حد دود شصت و شصت سال از عمرش را در ورزش گذراند. بازیکنان و نسل‌های مختلف. مربیان، مدیران و خبرنگاران ورزشی دور هم جمع شدند و از رئیس اسبق فدراسیون بسکتبال خدا حافظی کردند. یک ماه و نیم بعد، در دی ۱۴۰۲، سالن بسکتبال آزادی با حضور وزیر ورزش و خانواده‌اش، به نام: آذر محمود، ششون و من، نام‌گذاری شد. سردبسی از او رونمایی شد و پلاکی بالای در سالن نصب شد که نامش را بر زبان تماشاگران آینده نگه می‌داشت. این نام‌گذاری، نوعی جمع بندی رسمی بود. جمع بندی دوره‌ای که در بسکتبال ایران رفت و نخستین بار قهرمان آسیا شد. به المپیک رفت و در عین حال، به جای حاشی جدی درباره سبک مدیریت، جانشین پروری و رابطه رئیس با ستاره‌ها را پشت سر گذاشت. میراث او، آمیزه‌ای از افتخار و جدل است. ترکیبی که معمولاً نام‌های بزرگ ورزش با آن به یاد آورده می‌شوند.

بخشی از اطلاعات این نوشتار از سایت فدراسیون جهانی بسکتبال، خانه بسکتبال ایران و رسانه ها گرفته شده است.

محمود مشحون در لباس تیم ملی بسکتبال ایران که با شماره ۱۱، برای کشورمان افتخار آفرینی می‌کرد

حرم نامه

کارگردانی خدا

در حرم امام هشتم، از خادم تازان و مجاور، هر کدام زبان حالی دارند تا با امام، هر کدام قصه ها دارند تا به امام بگویند و گاه زیبایی این قصه ها در ارتباط آن ها با هم گرد می خورد. انگاری امام دل ها را و چشم ها و قدم ها را به سویی که باید هدایت می کند.



داستان نویسنده
محمد حسینی

عاقله مردی است از نیشابور
هر هشت روز یک بار نماز صبح
خوانده یا بخوانده دل جامه می زنداز نیشابور
به سمت مشهد و حرم امام رضا (ع) آید
به کشیک دختر دهر حرم امام رضا (ع) برساند
سوار ماشین های خطی نیشابور - مشهد
می شود تا اول صبح برسد به پاسبان خطمی.
سایبان که راهنمای زائر بوده، دل به زائر
می داده است. نه اینکه چون نمایش راهنمای
زائر بوده است بایستد تا زائر بیاید ستمش
و پرسشی کند و راهنمای بگیرد، بلکه چشم
می گردانده در بین زائران و اگر زائری گذشته حال
و پیرشان می دید است. قدم پیش می گذاشته
که اگر کمکی می تواند، دریغ نکند و باری بردارد.
دوش زائر آقا می گفت در صحن پیامبر اعظم (ص)
دوازده خانم حالی پریشان و دلی نگران داشتند
گویی اتفاقی و حادثه ای مستأصلشان کرده
باشد. جلو می رود و پرسشی و تعارف به کمکی
برای حل مسئله

خانم ها از اهالی سیستان و بلوچستان و با کاروانی زائر مشهد شده بودند. اتوبوسی که با آن ها به مشهد آمده بودند، خراب شده بود و وسیله برگشت فراهم نبود. هزینه برگشت هم برای آن ها سخت بود و مشکل مانده بودند چه کنند. از طرفی خوشحال که زائر آقا شده بودند و از طرفی مستأصل که حالا چگونه برگردند به سوی خانه و

کاشانه‌شان. آقای خادم نیشابوری وقتی خوب دادر می‌دهد به دل زائران سیستانی، دل گرمی می‌دهد و با آن ارادت و باوری که به امام داشته است، توجه می‌دهد که آقا خودش حواسش به زائرش هست. نگران نباشید. حتماً گشایشی می‌شود. شماره‌ای می‌گیرد و شماره‌ای می‌دهد که اگر کمکی رسید، اطلاع دهد.

تفاقات حرم چنین شکل می‌گیرند. خادمی از نیشابور سحر راه بپفند که اول طلوع آفتاب برسد مشهد برای خدمت. قسمتش باشد محل خدمتش بشود صحن پیامبر اعظم (ص). حالا دو خانم سیستانی مستأصل از اتفاقی که برای کاروانشان افتاده. درست پیش روی خادم نیشابوری قرار گیرند تا قسمت‌ها چنین شکل بگیرند. کارگردانی خدا، این چنین است.

A large crowd of women, all wearing black chador robes, are gathered in a vast, ornate interior space, likely a mosque or shrine. The women are seen from behind, filling the foreground and middle ground. In the background, there is a large, square, domed structure with intricate carvings and arches. The walls and ceiling are decorated with colorful, patterned tiles in shades of blue, green, and gold. Several large, ornate chandeliers hang from the ceiling, illuminating the space. The overall atmosphere is one of a significant religious or cultural event.

قاب طلا

غبارروبی عاشقانه با عطریاس

صبح دیروز در قراری عاشقانه و در آستانه میلاد مادرمان، حضرت صدیقه کبری (س)، جمعی از بانوان نخبه از سراسر کشور گرد هم آمدند تا برای نخستین بار در یک غبارروبی متفاوت شرکت کنند.

بر این اساس روضه منوره قرق شده بود تا فقط این بانوان در این آیین معنوی شرکت کنند. میان‌شان هم مادری بود که چند شهید دارد، هم عضو هیأت علمی دانشگاه بود، هم مادران برگزیده طرح ملی «شکوه مادری» آستان قدس رضوی و هم فعالان فرهنگی، ورزشی و رسانه‌ای.

روزنامه
فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی

شهرداری مشهد

مدیرمسئول
سید مرتضی موسوی مهر

سر دبیر
سید سجاد طویح هاشمی

نشان: خیابان کوهنیگ
ابتدای کوشکی ۱۵

دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱

نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی
۰۵۱-۳۸۴۳۷۲۵۰

شماره یکم
۳۰۰۰۷۲۸۰

SHAHRRARANEWS.IR

شنبه

۱۹ آذر ۱۴۰۴
۱۹ جمادی الثانی ۱۴۲۷
شماره ۴۴۴

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir




سایت شهرآرا نیوز را
اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم اخلاق حرفه‌ای

اوقات شرعی مشہد

۱۱:۲۴:۲۵	● غروب آفتاب	۱۶:۱۶:۴۰	● اذان مغرب	۱۶:۳۷:۰۳
۲۲:۳۹:۱۳	● اذان صبح فردا	۰۵:۰۱:۴۷	● طلوع آفتاب فردا	۰۶:۳۲:۱۱

امام رضا (ع):

آنکه کار را از راهش بجوید نمی لغزد و اگر هم بلغزد راه چاره دارد.

بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٥٦ / ١٠

تقویم تاریخ

آذر سالروز آسمانی شدن **محسن مایهر کاشانی**، سرای شهیدی است. او در جبهه پیروزی انقلاب اسلامی ایران که در دفاع از مردم همدان به استاندار این استان شلیک کرد. او که در کنار دیگر سرایان ایستاده بود و قرار بود فرمان شلیک به طرف مردم بی دفاع را بجا بیاورد، اسلحه را به سمت فرامنده و استاندار خراگند و به سمت آن‌ها شلیک کرد. پس از این اقدام شجاعانه او، به شهادت رساندند.



ی
ن
ت.
لد
ن

شهر پیور، ورزشکار مشهور
ایران و نیز مدیر نخستین
در سال ۱۳۲۶ از دنیا رفت
منوچهر مهران که متولد
د بود کسی است که اخوان
را در نوزده سالگی به

صبریان، چشم پزشکی و خیر
اینگاه ویژه‌ای بین مردم داشت، مهربانی‌ها و ارباب‌پزشک مردمی، همه می‌کردند و او را دکتر شیخ دوم آن مانند دکتر شیخ از بیماران گرفت و حتی برای آن‌ها مقرری بود.

آذر ۱۳۸۴ دکتر محمد نصیری
شهیدی از دنیا رفت. او جای
به طوری که بسیاری از مشه
دکتر مرتضی شیخ، مقایسه
ی خواندند. دکتر نصیری
بازمند پول ویزیت نمی گرف
ماهیانه در نظر گرفته بود



شاعر و کارآفرین مشهور
مگاه مقبره الشعراء توس
ر متعددی برجای مانده
دب»، «ترجمه منظوم
از دیار خراسان»،
شعر»، «سفری به
بیر آفاق» و «بزم
آثار اوست.

duisi

زد به نام تو خدا سکه تسلیم و رضا

پوستر: درس خاکپور